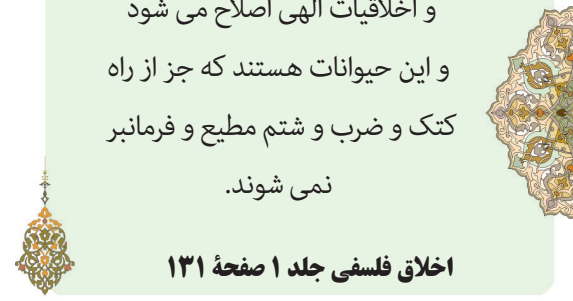


انسان عاقل بوسیله پندیات و اخلاقیات الهی اصلاح می شود و این حیوانات هستند که جز از راه کتک و ضرب و شتم مطیع و فرمانبر نمی شوند.

اخلاق فلسفی جلد ۱ صفحه ۱۳۱



WWW.SHAHRMARDOMDAILY.IR



تقویم رویدادهای ملی در استان فارس تدوین شود

سرپرست اداره کل هماهنگی امور گردشگری استانداری فارس با اشاره به برگزاری جشنواره‌های مختلف در شهرستان‌های استان به صورت سالانه، بر ضرورت تدوین تقویم رویدادهای ملی در این استان تأکید کرد. محمدعلی مصلحی فر در حاشیه سفر یک روزه خود به شهرستان لارستان که در راستای حضور در سومین جشنواره ملی مسقطی لارستان انجام شد، گفت: یکی از مواردی که باید مدنظر قرار گیرد، تدوین تقویم رویدادهای ملی در استان فارس است. وی افزود: هر شهرستانی در استان فارس دارای یک ظرفیت بی‌بدیل است به عنوان مثال هر ساله در شهرستان‌های خفر، داراب، کارون، میمند جشنواره گل نرگس یا گل محمدی در ارسنجان جشنواره انار، در لارستان جشنواره...



مشروح خبر در صفحه ۲

استاندار فارس:

تبدیل ۴۰ خانه اطراف حرم شاهچراغ (ع) به مرکز فرهنگی

عکاس: عباس امیری

### جزئیات پرونده خیریه نرجس بخش اول

## کودک آزاری، پرونده ای باز در دادگاه کیشری برای خیریه نرجس

صفحه ۲۱

- عضو شورای شهر شیراز خبر داد: **جانمایی احداث دو تصفیه خانه محلی در شیراز** ۳
- پاسخ دفتر فنی استانداری فارس در خصوص کوه خوار و در باباکوهی** ۳
- دبیر ستاد خدمات سفر فارس: بازدید از اماکن گردشگری فارس از مرز ۲۰ میلیون گذشت** ۳

**نماینده ولی فقیه در فارس:**

**مدیر کل صدا و سیمای فارس:**

**جشنواره رسانه ای اقوام و عشایر کشور در شیراز برگزار می شود** صفحه ۳

**معاون فرهنگی دانشگاه شیراز خبر داد:**

**ارسال ۳۰۰۰ اثر به جشنواره قرآنی شهید آوینی** صفحه ۳

تماس گرفتند و از خوب بودن حالش، مطمئن شدم، برگشتم و دخترم را به بیمارستان نمازی بردم. به من گفته بودند، کرونا گرفته، اما فرزندم، دچار عفونت شدید، به دلیل بیماری های متعدد و درمان نشدن، شده بود و از همه بدتر، زخم بسترهای عمیقی داشت که نماینده موسسه، اظهار بی اطلاعی می کرد، ۲۰ روز در بیمارستان نمازی، بستری شد و ابتدا، حاضر به پرداخت هزینه نبودند و بعد از اینکه من با فاکتور، هزینه را متقبل شدند، اما دیگر حاضر به پذیرش دختر من نشدند و ۶ ماه، زمان برد تا

به من پاسخی ندادند، مدیرعامل این موسسه، در مواردی با من بی ادبانه صحبت کرده بود، اما بخاطر محمد امین، اهمیت نداده بودم. او، ادامه می دهد: من بچه‌های شاداب و سالم را به خیریه نرجس، تحویل دادم و بچه ای ناقص و افسرده، تحویل گرفتم، همه چیز را به خدا واگذار کردم، تنها پاسخی که به من دادند، این بود که بچه شما، اوتیسم داشته و مناسب این محیط نبوده و نباید اینجا می آوردید، گویا در زمان کرونا، از مدرسه رفتن محمد امین، به دلیل احتمال بیماری، جلوگیری و برنامه روزانه اتاق بازی، جایگزین می شود، اما بعد از مدتی

در این موسسه، محیطی آموزشی را در آنجا در راستای آموزش مهارت زندگی، برای این کودکان، فراهم کرده است و حالا با شنیدن نام این موسسه، برافروخته می شود و می گوید: بچه من، از لحاظ جسمی، سالم بود و فقط از نظر ذهنی، مشکل داشت، ما گول ظاهر این موسسه را خوردیم، محمد امین، بسیار مودب، تمیز و شیک بود، مدرسه می رفت و انزوی و شادابی خاصی داشت که با حضور در این موسسه، علاوه بر آسیب روحی، گردش نیز آسیب دید، بعد از کرونا، مدتی شیراز نبودم و فرزندم را ندیدم، متوجه شدم گردش آسیب

این خیریه ها با نظارت حداقلی، یکی از اشتباهات است، خیریه ها، تبدیل به بنگاه های درآمدزایی شدند، کارکنان آنها، مانند بازاریاب، عمل می کنند و از جلب کمک ها، درصد می گیرند، به بهزیستی گزارش می دادیم، اما نتیجه ای نداشت، امیدوارم که دستگاه قضایی، جلوی این سوءاستفاده ها را بگیرد.

**بچه ام را سالم و شاد تحویل دادم، ناقص و افسرده تحویل گرفتم**

«محمد امین محمودی»، کودک اوتیسمی که مدتی را در خیریه نرجس گذرانده، هنوز هم نسبت به این محیط، وحشت دارد و به گفته

برایشان در نظر گرفته شد، اما نکته قابل توجه این ماجرا، این بود که مدیرکل وقت بهزیستی فارس، حدود ۲۴ ساعت بعد، آقای بخشنده را از سمت بهزیستی شیراز، عزل کرد و این شائبه را پیش آورد که شاید علت این تغییر ناگهانی، همان بازدید سرزده باشد، آنچه مسلم است، خیلی از تخلفات، در سایه چشم پوشی و عدم نظارت کافی بهزیستی فارس، صورت گرفته است.» آنچه خواندید روایت یکی از اعضای موسسه پیشگیری از آسیب های اجتماعی است که در این سالها، در جریان روند پیگیری پرونده مدیرعامل خیریه نرجس بوده است.

**فرخنده آشوری - شهر مردم | «حدود سه سال قبل، کلیپ هایی به دست ما رسیده بود، از شرایط اسفناک نگهداری توانخواهان در موسسه خیریه نرجس؛ فرستنده کلیپ، برای ما نوشته بود که دیگر کاری از دستش برنمی آید و شاید ما، بتوانیم به داد این عزیزان برسیم، آنقدر فیلم ها، تاراحت کننده بود که بدون لحظه ای درنگ، سراغ رییس وقت بهزیستی شیراز، آقای بخشنده رفتم و بدون مطرح کردن موضوع، از او خواستم تا در یک بازدید سرزده، ما را همراهی کند و در این بازدید، دو نفر از کارشناسان بهزیستی نیز با ما**

زخم بستر دخترم، خوب شود و بهبودی یابد.

**۶ ماه حبس گرفتم**

جواد اسفندیاری، یکی از کارکنان سابق این موسسه است، او، حسابدار و صندوقدار پذیرش درمانگاه خیریه نرجس بوده است و وقتی با مسئولان این موسسه، به مشکل مواجه می شود، گزارش تخلفات آنها را به بهزیستی می دهد، حراست بهزیستی، از او می خواهد که تمام موارد را با دستخط خود بنویسد و امضا کند و قول پیگیری می دهد و او در این گزارش، به یک مورد شخصی نیز اشاره کرده و بعد پشیمان می شود، اما مدتی بعد، مدیرعامل این موسسه، به همان گزارش که اسفندیاری با دست نوشته بوده، از او شکایت می کند و چون مدرکی، برای اثبات همان مورد شخصی ذکر شده، نداشته بود، محکوم می شود و حکم او در دادگاه غیابی، صادر شده و به توصیه او، از زندان پرونه، مبنی بر تلاش برای جلب رضایت شاک، اعتراض نمی گذارد و به همین دلیل، ۶ ماه حبس می گیرد و حالا او بخاطر آن گزارش تخلفات، دچار سوء پیشینه است. این سوال پیش می آید، چرا باید حراست بهزیستی، نامه گزارش یک فرد را به این موسسه تحویل دهد و اکنون که بیشتر موارد آن گزارش، در دادسرا اثبات شده، تکلیف سوء پیشینه اسفندیاری و زندان رفتن او به جرم نشر اکاذیب چه می شود؟

این بخش حذف شده و بچه ها را مجبور به ماندن تمام وقت در تخت می کنند و این برای یک کودکی با شرایط فرزند من، خیلی سخت است، شاید برای آرام کردنش، به او آسیب زدند، چرا که من با چشم خود، شاهد بودم، برای اینکه بچه ای را به سرویس بهداشتی ببرند، با چه خشونتی برخورد می کردند، هنوز هم نمی دانم چه بلایی بر سر محمد امین آمد و تنها کاری که کردم، این بود که او را از موسسه، خارج کردم.

**۶ ماه طول کشید تا زخم بستر دخترم خوب شود**

روایت دیگر را از زبان مادر یک دختر ۱۷ ساله توانخواه که چند سالی به طور نامنظم، در این موسسه، نگهداری می شده است، می خوانیم، او می گوید: دخترم را با معرفی بهزیستی، در این خیریه، نگهداری می کردند، البته منظم نبود، مثلا به صورت یک تا دو ماه، کرونا که شروع شد، به ما اجازه دیدنش را ندادند، هر بار که به خانه می آمد، روی دست و پایش، جای کبودی به دلیل بد بستن می دیدم، اما خب شرایط فرزندم به شکلی بود که خودم هم برای کنترلش، این کار را می کردم و اعتراضی نداشتیم، چرا که دچار فقر شدید بودیم و شرایط نگهداری اش را نداشتیم، اما در زمان کرونا، همه چیز بدتر شد.

این مادر، ادامه می دهد: در سفر مشهد بودم که به من خبر دادند، دخترم بیمار است، بیا او را ببر، در صورتی که قبل از سفر،

دیده و مسئولان گفتند که بی دلیل، گردش را دیگر تکان نداده و علی رغم پیگیری های من، جوابی ندادند، اما محمد امین، به شدت دچار ترس بود، به متخصص مغز و اعصاب و بعد به متخصص اعصاب و روان، مراجعه کردم، تشخیص، آسیب روانی بود، مسئولان نرجس،

مادرش، با اینکه از لحاظ ذهنی، مشکل دارد، اما وقتی از کنار این موسسه می گذریم، دچار ترس شده و واکنش نشان می دهد.

مادر محمد امین که نامش در لیست خیران این موسسه نیز قرار دارد، علاوه بر کمک های مالی، به دلیل حضور فرزندش

**خیریه ها تبدیل به بنگاه های درآمدزایی شده اند**

در خیریه نرجس، خدمت کرده است، او علت دلایلی خود از این موسسه را این طوری عنوان می کند: «گمان می کردم، حضورم در این موسسه، کمک به توانخواهان و بهبود شرایط است، اما مسئولان این خیریه، به دنبال بهبود نبودند.»

او، ادامه می دهد: عدم رسیدگی به توانخواهان، عدم تخصیص کمک خیران به این عزیزان و عدم رعایت بهداشت، از جمله دلایلی بود که آنجا را برای من، غیرقابل تحمل کرد، پوشک هایی که مردم اهدا می کردند، به جای استفاده، در داروخانه خیریه به فروش می رسید، توانخواهان، به خاطر عدم رعایت بهداشت و استفاده از پارچه های نامناسب به جای پوشک، دچار زخم بستر و عفونت می شدند و من با چشم خود دیدم که کودکی بر اثر زخم بستر، فوت کرد، برخی از این کودکان، پرخاشگر بودند و برای جلوگیری از آسیب به خود یا دیگران، باید بسته می شدند، اما پارچه هایی که برای این کار استفاده می شد، نامناسب و آسیب زنده بود و با اینکه بارها، درخواست وسیله مناسب، مانند دستبند چرمی را کردیم، هستی ندادند و همین سبب زخم و آسیب به دست و پای آنها شده بود.

این روانشناس که هنوز بعد از سال ها ترک این خیریه، از یادآوری این خاطرات، متقلب شده، می گوید: شاید خصوصی شدن

همراه شدند، مقصد را عنوان نکردم، چون می خواستم، بازدیددی کاملا سرزده باشد، مسئولان خیریه نرجس، از این حضور ناگهانی ما، تعجب کردند و چون رییس بهزیستی، همراهمان بود، نتوانستند از ورود ما، مانع به عمل آورند، علی رغم تلاش های آنها، برای جلوگیری ما از نزدیک شدن به این کودکان، ما قطعاً برای کار بازرسی کردیم و متأسفانه، تمام موارد ضبط شده در آن کلیپ ها، صحت داشت، به جای پوشک، برای توانخواهان، از پارچه های کهنه و حتی سوخته و نامناسب، استفاده شده بود، بیشتر آنها، زخم بسترهای عمیقی داشتند، صحنه هایی که اشک هر بیننده ای را می آورد، وارد آشپزخانه شدیم، متأسفانه گزارشات در مورد غذا هم درست بود و غذای آنها، آن روز کدو و نان بود، غذایی که قطعاً برای کودکانی با پیش زمینه تشنج، نامناسب است، مسئولان، ادعا کردند که در غذای روزانه این کودکان، گوشت وجود دارد و امروز استثنائاً به این شکل بوده است، حال همه ما، منقلب شده بود، گزارشی تهیه و برای بهزیستی، دادستانی و معاونت پیشگیری از وقوع جرم، ارسال کردیم، همان شب آقای بحرینی، سردستان فارس نیز بعد از دیدن گزارش ها، سرزده از موسسه بازدید کرده و خود تمام این موارد را مشاهده می کند، با روشن شدن این موضوع، ما پیگیری ها را ادامه دادیم تا شرایط، بهبود یافت و برای کودکان، به جای پارچه از پوشک استفاده کردند و برنامه غذایی مناسبی،













